

تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه در سه حوزه ساختار جمله، زمان و ضمائر

۱- رضا ناظمیان*، ۲- صادق خورشاه**

۱- استاد زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
۲- استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵)

چکیده

نثر ترجمه در حوزه کتاب‌های دینی، فرهنگی، داستانی و نیز در رسانه‌ها و متن‌های اطلاعاتی که اهداف آموزشی، سرگرمی و اطلاع‌رسانی را دنبال می‌کنند، اهمیت بسزایی دارد. از این رو، باید علاوه بر تأکید بر آموزش صحیح ترجمه، در پالایش ترجمه‌ها نیز تلاش کرد و به راهکارهایی اندیشید که نثر ترجمه را از ساختارهای طولانی، نامفهوم، بدون انسجام و فاقد زیبایی و روانی برهاند؛ راهکارهایی که مترجمان نوآموز با فراگیری و به کارگیری آن‌ها بتوانند ترجمه‌ای روان و سلیس ارائه دهند. این مقاله در پی آن است که با مرزبندی شیوه‌های ترجمه، برخی از مهم‌ترین این راهکارها را در قالب ترجمه ارتباطی ارائه دهد. تبدیل ساختار اسمی و فعلی، افزودن کلمات توضیحی، ویرایش زمان و تقطیع جمله، اظهار مرجع ضمائر و تقدیم جمله پیرو و ذکر معنای ثانوی فعل و معادل‌یابی برای تعابیر و به لفظ درآوردن برخی اشاره‌ها و تلویح‌ها، از جمله مهم‌ترین این راهکارها به شمار می‌آیند.

واژگان کلیدی: ترجمه معنایی و ارتباطی، روان‌سازی متن ترجمه، انسجام.

* E-mail: reza_nazemian2003@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** E-mail: khurshasadeh@gmail.com

مقدمه

زبان فارسی رمان‌های ترجمه‌شده و نیز زبان رسانه‌های همگانی، به‌ویژه مطبوعات، «به دلیل موضع انفعالی در برابر زبان‌های انگلیسی، عربی و فرانسوی و به دلیل نیاز به سرعت در ترجمه اخبار، علوم و... به سوی ابهام و نارسایی کشیده شده‌است» (صفوی، ۱۳۹۴: ۵۵). نبودن ابزاری برای پالایش زبان ترجمه در کتاب‌ها و رسانه‌ها و نیز نبودن سازوکار جدی از سوی سازمان‌های مسئول برای نظارت و ارزیابی زبان، باعث آسیب‌های جدی به زبان فارسی شده‌است. البته باید گفت تعامل و ارتباط زبان فارسی با دیگر زبان‌ها، از جمله انگلیسی و عربی، اجتناب‌ناپذیر است و در هر تعاملی باید منتظر تأثیر متقابل باشیم. بنابراین، تأثیر متقابل عربی بر فارسی امری کاملاً طبیعی است و «آنچه موجب اثرات مخرب در ترجمه به زبان فارسی است، نداشتن مهارت و تسلط کافی برخی از مترجمان است، و گرنه زبان عربی می‌تواند باعث غنی‌تر شدن زبان شیرین فارسی شود» (نعمتی، ۱۳۸۴: ۱۱۸). نداشتن تسلط کافی مترجمان به زبان فارسی و نبود اعتماد به نفس در نویسندگی باعث می‌شود خود را به متن اصلی نزدیک‌تر کنند. آفت تأثیرپذیری از زبان مبدأ و انعکاس ویژگی‌های واژگانی و دستوری زبان مبدأ به زبان فارسی، با گذر زمان و گسترش ترجمه کتاب‌های حوزه ادبیات داستانی و حوزه دین و فرهنگ، خود را بیشتر نشان می‌دهد. در توضیح این مطلب، ابتدا باید موضوع این تأثیرپذیری و موارد آن را در فرایند ترجمه روشن کنیم تا بدانیم ساختارهای زبان مبدأ چگونه به زبان فارسی نفوذ می‌کنند و راه‌های جلوگیری از آن چیست؟

فرایند ترجمه دو پایه اصلی دارد: یکی درک و دیگری بیان. «درک» همان فهم متن و استخراج معنا یا پیام از دل آن است. هرچه آشنایی مترجم با زبان مبدأ (در اینجا، زبان عربی) بیشتر باشد، توانایی وی در درک متن و استخراج پیام بیشتر خواهد بود. اما «بیان» مقوله دیگری است و اهمیت بیشتری دارد. بیان آن است که مترجم پیامی را که از متن مبدأ می‌گیرد، در زبان مقصد (در اینجا، زبان فارسی) ارائه کند؛ یعنی بتواند برای قالب بیانی زبان عربی، معادلی شایسته و درخور در زبان فارسی پیدا کند که مخاطبان ترجمه، یعنی

فارسی‌زبانان با خواندن متن ترجمه، احساس غرابت نکنند و متن ترجمه را مولودی کامل در زبان خود بدانند، نه آنکه بدنه از زبان فارسی و ساختار آن از زبان عربی باشد.

تأثیرهای منفی زبان‌های خارجی بر زبان فارسی بیشتر از همین جا نشأت می‌گیرد؛ زیرا مترجمان، ظرافت‌ها و دقت‌های دستوری و بیانی زبان فارسی را نمی‌شناسند و نمی‌دانند که صرف فارسی‌زبان بودن «به کسی تسلط و مهارت کافی در زبان مادری نمی‌بخشد» (پازارگادی، ۱۳۶۲: ۲).

بیان مسئله پژوهش

طولانی بودن جمله‌های نثر ترجمه در رسانه‌ها و متن‌های اطلاعاتی که هدف آن‌ها رساندن پیام به خواننده است، با اصل اطلاع‌رسانی که کار اصلی رسانه‌هاست، تناسب ندارد. از این رو، ساختارهای طولانی نباید به نثر ترجمه راه یابد. پس باید راهکارهایی برای روان‌سازی متن ترجمه پیدا کرد که مترجمان نوآموز بتوانند با به کارگیری آن‌ها ترجمه‌ای روان و سلیس ارائه دهند. این مقاله در پی آن است که برخی از مهم‌ترین این راهکارها را ارائه نماید.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش بر آن است تا به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- انتخاب شیوه ترجمه چه ارتباطی با روان‌سازی متن ترجمه دارد؟
- ۲- چگونه می‌توان توالی و ترتیب جملات و برخی از ویژگی‌های ساختاری متن مبدأ را تغییر داد، بی‌آنکه در محتوا و پیام جمله تغییری ایجاد شود؟

پیشینه پژوهش

در زمینه راهکارهایی برای روان‌سازی متن ترجمه و معادل‌یابی واژگانی و دستوری در ترجمه عربی به فارسی پژوهش‌هایی صورت گرفته است؛ از جمله مقاله عدنان طهماسبی و صدیقه جعفری با عنوان «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند معادل‌یابی معنوی» و نیز مقاله منصوره زرکوب و عاطفه صدیقی با عنوان «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها» و پژوهش‌های دیگری که موضوع معادل‌یابی را دستمایه کار خود قرار داده‌اند. تفاوت و برجستگی این مقاله در آن است که به راهکارهایی برای روان‌سازی متن ترجمه و چالش معادل‌یابی برای نقش‌های دستوری دارای متمم از فارسی به عربی پرداخته است.

روش پژوهش

شیوه این پژوهش، توصیفی-تحلیلی همراه با جستجو و استقرا می‌باشد؛ بدین معنا که بر اساس تجربه عملی نویسندگان در امر ترجمه و استقرای ترجمه‌های مترجمان، موارد استنباطی حاصل می‌شود که بر همان اساس، اصول و قوانینی به دست می‌آید که می‌تواند برای مترجمان در کار عملی ترجمه راهگشا باشد.

مبانی نظری

نثر ترجمه حاصل بازتولید پیام و اندیشه یا محتوای احساسی است که در دل متن اصلی نهفته است؛ یعنی مترجم در یک فرایند ذهنی که قوه تحلیل و منطق مترجم در آن دخیل است، پیام یا محتوای احساسی را از متن مبدأ می‌گیرد و آن را در یک ساختار دستوری زبان مقصد می‌ریزد که خود مناسب می‌داند. این فرایند، «ترجمه» نام دارد؛ به دیگر سخن، ترجمه، درک معنا و پیام از ساختارهای بیانی متن مبدأ و ارائه آن معنا و پیام در زبان مقصد به بهترین و مناسب‌ترین شکل ممکن است، به طوری که خواننده یا شنونده ترجمه با میل و رغبت متن ترجمه را دنبال کرده، آن را به پایان برساند. حال، موضوع این است که گاه

مترجم برای انتقال دقیق معنا یا پیام و یا ایجاد صراحت و وضوح بیشتر، باید از شیوه‌ها و تکنیک‌هایی استفاده کند که کشش لازم برای ادامه متن را در خواننده به وجود آورد. گاه مترجم برای رسیدن به این هدف، وادار به افزایش یا کاهش حجم می‌شود. تجربه نشان داده‌است که کوتاه‌تر شدن ترجمه یک عبارت معمولاً به تفاوت قالب بیانی عربی با فارسی بازمی‌گردد، اما طولانی‌تر شدن آن که برای توضیح بیشتر متن مبدأ است، اغلب به دلیل رعایت حال خواننده و ایجاد شرایط مناسب برای درک بهتر وی از متن صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، گاه مترجم عبارتی را به منظور توضیح سخن نویسنده به متن می‌افزاید یا مقصود وی را که به صورت خلاصه و مبهم بیان شده‌است، به روشنی می‌رساند و یا از ابزارهای ارتباط بین جمله‌ها استفاده می‌کند تا ارتباط منطقی گویاتری بین اجزای یک جمله یا چند جمله برقرار کند.^۱ از سوی دیگر، «ایجاز متن، تأثیر زیادی در روان‌سازی آن دارد. طبیعی است که هرچه واژه‌های یک جمله کمتر باشد، مخاطب آن را بهتر و سریع‌تر درک می‌کند و زمان کمتری را برای فهم آن جمله می‌گذارد» (بدیعی، ۱۳۸۱: ۱۴۸)، در حالی که جمله‌های طولانی، علاوه بر اینکه ابهام و نارسایی ایجاد می‌کند، زمان بیشتری از مخاطب می‌گیرد و سرانجام، باعث خستگی او می‌شود. فرایند توضیح و ابهام‌زدایی از متن ترجمه را در قالب «تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه» بیان می‌کنیم، به طوری که نشر ترجمه خوشخوان شود و خواننده به راحتی آن را بخواند و به پیش ببرد. متن ترجمه مانند جاده است و خواننده همچون راننده‌ای است که روی این جاده می‌راند. اگر این جاده، آسفالت و صاف باشد، راننده آن را بدون هیچ دشواری طی می‌کند و به مقصد می‌رسد، اما اگر این جاده، قدم به قدم، دست‌انداز و گودال‌های کوچک و بزرگ داشته باشد، راننده به زودی از آن خسته شده، عطایش را به لقایش می‌بخشد. فرض ما این است که در بهترین ترجمه، خواننده بوی ترجمه را از متن احساس نکند و فرایند ترجمه را از یاد ببرد و گمان کند متنی که می‌خواند به وسیله یک نویسنده به رشته تحریر درآمده‌است. برای رسیدن به این هدف باید از تکنیک‌های مختلفی استفاده کرد که این مقاله به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازد. لازم به ذکر است که این تکنیک‌ها ضمن تجربه در کار ترجمه به دست آمده‌است و ممکن است برخی از آن‌ها در دیگر نوشته‌ها (ر.ک؛ ناظمیان، ۱۳۹۰) آمده

باشد، ولی اغلب آن‌ها جدید است. از سوی دیگر، وفاداری مصرانه و بی‌مورد به ساختار دستوری عربی و رعایت توالی و ترتیب جمله‌های عربی، یکی از مهم‌ترین آفت‌های ترجمه از زبان عربی به فارسی به حساب می‌آید؛ به عبارت دیگر، مترجمان نوآموز و تازه‌کار نمی‌دانند همان‌طور که برای واژه‌ها و کلمات عربی در فارسی معادل پیدا می‌کنیم، برای ساخت دستوری و قالب نحوی عربی نیز باید در فارسی معادل پیدا کرد که به آن «معادل‌یابی دستوری» گفته می‌شود. مترجم نباید اجازه دهد جمله عربی او را به هر جا که می‌خواهد بکشاند، بلکه باید جمله را بخواند، بفهمد و جمله مناسبی را در فارسی پیدا کند که معادل جمله عربی باشد. البته آزادی مترجم در انتخاب معادل‌های واژگانی و دستوری به نوع ترجمه بستگی دارد. از این رو، دو روش مهم ترجمه، یعنی ترجمه معنایی و ارتباطی را بررسی می‌کنیم که نظریه پرداز مشهور، «نیومارک» آن را ارائه کرد و نشان می‌دهیم که انتخاب شیوه ترجمه چه نقشی در آزادی‌های مترجم در ساخته و پرداخته کردن نثر ترجمه دارد.

۱. روش‌های ترجمه

۱-۱. ترجمه معنایی

ترجمه معنایی، معنا و مفهوم متن مبدأ را با نزدیک‌ترین ساخت‌های دستوری و معنایی زبان مقصد منتقل می‌کند (ر.ک؛ نیومارک، ۱۳۸۶: ۳۷). در این روش، مترجم بی‌آنکه تغییرهای دستوری یا لغوی در متن ایجاد کند، آن را لفظ به لفظ به زبان مقصد برمی‌گرداند. ترجمه معنایی به متن وفادار است و ویژگی‌های ترجمه تحت‌اللفظی را نیز دارد و به زبان مبدأ متمایل است. از ترجمه معنایی برای ترجمه متون توصیفی یا عناصر توصیفی متن‌های اطلاعاتی و نیز ترجمه متون مقدس استفاده می‌شود. کاربرد دیگری که برای ترجمه معنایی در نظر گرفته می‌شود، مقاصد آموزشی است؛ به عنوان مثال، برای آموزش صرف و نحو عربی، طبیعی است که باید از این روش ترجمه استفاده شود؛ زیرا در

علم صرف، ساختمان کلمه و در علم نحو، عناصر جمله و نقش آن‌ها در ارتباط با یکدیگر بررسی و تحلیل می‌شود.

۲-۱. ترجمه ارتباطی (پیامی)

ترجمه ارتباطی، ترجمه‌ای است که پیام متن مبدأ را با متداول‌ترین کلمات، عبارات و ساخت‌های دستوری به زبان مقصد برمی‌گرداند (ر.ک؛ همان: ۳۸). در ترجمه ارتباطی، مترجم بر اساس معنای اولیه کلمات، معادل‌یابی نمی‌کند، بلکه تلاش می‌کند بر اساس معنای کلمه در بافت متن، معادل‌یابی نماید. بنابراین، نقش اساسی در انتخاب شیوه ترجمه را «کلمه» دارد.

۲. کلمه در ترجمه

کلمه در ترجمه اهمیت بسزایی دارد و تعیین‌کننده نوع ترجمه است. در ترجمه معنایی که به ترجمه تحت‌اللفظی نیز نزدیک می‌باشد، کلمه اهمیت ذاتی دارد و نباید آن را تفسیر کرد و معنای آن را به زبان مقصد انتقال داد، بلکه باید معنای مستقیم کلمه را در ترجمه آورد. تفاوت ترجمه معنایی با ترجمه تحت‌اللفظی این است که در ترجمه معنایی، دستور زبان مقصد رعایت می‌شود، ولی در ترجمه تحت‌اللفظی، قواعد و ساختارهای دستوری زبان مبدأ وارد زبان مقصد می‌شود؛ به عنوان مثال در جمله «المُتَابِعِ لِمُنَافَسَاتِ الْمُؤَنَدِيَالِ الْحَالِي يَرِي مَدَى التَّطَوُّرِ الْكَبِيرِ الَّذِي طَرَأَ عَلَى مَسْتَوَى الْكُرَةِ الْأَسْيَوِيَّةِ وَ مُجَارَاتِهَا لِلْمَدَارِسِ الْكُرْوِيَّةِ الْأُخْرَى مِثْلَ الْأَمْرِيكِيَّةِ وَالْأُورُوبِيَّةِ»، نوع الف و لام در «المتابع»، موصول است و باید «الَّذِي» ترجمه شود تا جمله فارسی روان شود. «طَرَأَ» به معنای «عارض شد و رخ داد» است، اما به اقتضای جمله فارسی بهتر است آن را «به وجود آمد یا رسیده‌است» ترجمه کنیم. «مدرسه» به معنای «مکتب» است، ولی به نظر می‌رسد واژه «مکتب»، اغلب برای مکاتب ادبی و هنری به کار می‌رود و در فارسی، تعبیر «مکتب فوتبال» نامأنوس است. به همین دلیل، در ترجمه دوم که شیواتر است، این کلمه را حذف کرده‌ایم. برای جمله فوق

دو ترجمه را نوشته‌ایم که ترجمه دوم از کلمات متن مبدأ فاصله بیشتری گرفته است و به سبک و سیاق نثر فارسی نزدیک‌تر شده است:

○ ترجمه تحت‌اللفظی

«دنبال‌کننده مسابقات جام جهانی کنونی می‌بیند میزان تحول بزرگی که عارض شده است، بر سطح توپ آسیایی و رقابت آن با مدارس توپی دیگر، مانند آمریکایی و اروپایی».

○ ترجمه معنایی

«کسی که رقابت‌های جام جهانی کنونی را پیگیری کند، تحول بزرگی را که در سطح فوتبال آسیا به وجود آمده است و رقابت شانه‌به‌شانه آن با مکتب‌های دیگر فوتبال، نظیر مکتب آمریکایی و اروپایی را درخواهد یافت».

○ ترجمه ارتباطی

«هر کس رقابت‌های کنونی جام جهانی فوتبال را دنبال کند، درخواهد یافت که سطح فوتبال آسیا به چه درجه‌ای از پیشرفت رسیده است و چگونه با سطح فوتبال در آمریکا و اروپا رقابتی شانه‌به‌شانه دارد (و دوشادوش فوتبال در آمریکا و اروپا حرکت می‌کند)».

۳. تکنیک‌های روان‌سازی متن مبدأ

۳-۱. تبدیل ساختار اسمی به فعلی

تبدیل ساختار اسمی به ساختار فعلی از مهم‌ترین شیوه‌های روان‌سازی متن ترجمه به شمار می‌آید. پرکاربردترین این ساختارهای اسمی در جمله عربی، «مصدر» و «اسم مفعول» است؛ مانند:

مصدر:

«بدلاً من مُعالِجَة الأمور بموضوعية، زاد القذافي من غطرسته»^۲.

- «قذافی به جای آنکه واقع‌گرایانه با مسائل برخورد کند، (به جای برخورد کردن)، بر تکبر خود افزود».

«معالجه» به معنای «پرداختن و برخورد کردن» است، اما در این جمله، به مضارع التزامی ترجمه شده است.

اسم مفعول:

- «فرنسا و معها أوروبا مدعوة لإعادة الروح لهذا المؤتمر و إلزام إسرائيل بما تقرّر فيه».

- «از فرانسه و همراه آن اروپا انتظار می‌رود تا دوباره به این کنفرانس روح ببخشند و اسرائیل را ملزم به اجرای تصمیماتی کنند که در این کنفرانس گرفته می‌شود».

«مدعوة»، اسم مفعول و «اعادة» و «إلزام» مصدر هستند، اما برای روان شدن و طبیعی کردن متن ترجمه، به صورت فعل ترجمه شده‌اند.

- «و أشارت صحيفة الديلي تلغراف إلى التكاليف الباهظة لغزو العراق و التي جعلت الأمريكيين يتراجعون عن وعودهم لإسرائيل».

- «روزنامه دیلی تلگراف به هزینه‌های گزاف جنگ عراق اشاره کرد که آمریکایی‌ها را وادار نمود از وعده‌هایی که به اسرائیل داده بودند، عقب‌نشینی کنند».

اگر پس از فعل «جعل»، مفعول و آنگاه فعل مضارع قرار گیرد، به معنای «وادار کرد» است. به ترجمه نشدن لام در «لغزو العراق» و تبدیل ساختار اسمی به ساختار فعلی در «وعودهم لإسرائيل» توجه کنید.

گاهی توالی و پی‌درپی آمدن دو یا چند مصدر در کنار یکدیگر باعث دشواری و نامأنوس شدن جمله می‌شود. در جمله زیر به ترجمه «رفض الإستماع» و ترجمه فعل‌های «تُكذَّبُ» و «تُزاید علی = زیاد شدن بر کسی» و نیز چگونگی انتقال از زمان ماضی استمراری به التزامی (ر.ک؛ ادامه مقاله) در ترجمه این دو فعل دقت کنید:

- «الغناد الأمريكي في الفترة الماضية برفض الإستماع إلى أسباب خارجية للتعنف الذي يجتاح منطقتنا، خلق طبقة من الكتاب و الصحافيين تكذب كل من يتحدث عن أسباب خارجية للإرهاب و تُزاید علی الأمريكيين في هذه القضية».

- «زیرا لجاجت آمریکا در دوره گذشته که نمی‌خواست بپذیرد خشونت حاکم بر منطقه ما دلایل خارجی دارد، باعث شد قشری از نویسندگان و روزنامه‌نگاران پدید آیند که سخن هر کس را که از عوامل خارجی تروریسم سخن بگویند، دروغ پندارند و در این زمینه، گوی سبقت را از آمریکایی‌ها برابند».

۴. تبدیل ساختار فعلی به ساختار اسمی

○ «لما أصبح الصباح اصطفَّت العساكر و برزَ من الأعداء فارساً بالحديد غاطسٌ».

□ «صبح هنگام (به جای «وقتی صبح فرارسید») به مصاف هم رفتند و از میان دشمنان، سوارکاری بیرون آمد که سراپا مسلح بود».

○ «يجيء إعلان وزير داخلية العدو الصهيوني عن بناء مليون وحدة سكنية في القدس و الضفة الغربية خلال العشر سنوات المقبلة بمثابة نسف للعملية السلمية من جذورها».

□ «اعلان وزير کشور رژیم صهیونیستی مبنی بر ساخت یک میلیون واحد مسکونی در قدس و کرانه باختری در ده سال آینده به منزله از ریشه درآوردن روند صلح است» (به جای «می‌آید» یا «قرار می‌گیرد»).

۵. افزودن کلمات توضیحی

یکی از اختیارات مترجم برای ساده و روان‌سازی نثر ترجمه این است که از کلمات توضیحی استفاده کند. کلمات توضیحی را می‌توان به توضیح ساختاری و توضیح تفسیری تقسیم کرد:

۵-۱. توضیح ساختاری

منظور از توضیح ساختاری آن است که کلمه‌ای را به متن اضافه کنیم؛ مثلاً یک مضاف را پیش از مضاف‌إلیه قرار دهیم:

○ «الحياة اللندنية: الحياة چاپ لندن».

○ «المستوطنون: يهوديان شهرک نشین».

○ «أقبل ابن سینا علی دراسة الطب و ما تُرجم عن اليونان».

□ «ابن سینا به فراگیری طب و کتاب‌هایی که از زبان یونانی ترجمه شده بود، روی آورد».

۵-۲. توضیح تفسیری

توضیح تفسیری به معنای تفسیر مترجم از واژه‌های متن است. این توضیح نیز دو نوع است: یکی اینکه معنا و مفهوم یک یا چند واژه را می‌آوریم؛ مثلاً «ما»ی موصول را در مثال قبلی به «کتاب‌هایی که» تفسیر می‌کنیم. دوم اینکه فعل، فاعل یا مفعول ذکر شده در جمله را دوباره تکرار می‌کنیم؛ مانند: «آنان سعی دارند» در مثال زیر که «آنان» تکرار «قوی» و «سعی دارند» تکرار مفهوم «محاولات» است:

○ «وتجسيدا لما سبق أعلنت روسيا دعمها لسورية ووقوفها إلى جانبها في مواجهة محاولات قوی غربية وإقليمية فرض أجندات تتعارض مع القانون الدولي ومصالح الشعب السوري واستقلالية الدولة السورية وتستخدم مجموعات إرهابية مسلحة وسيلة لذلك».

□ «در تأکید بر مواضع قبلی، روسیه اعلام کرد که در برابر تلاش‌های کشورهای غربی و منطقه‌ای از سوریه حمایت می‌کند. آنان سعی دارند برنامه‌هایی را تحمیل کنند که با قوانین بین‌المللی و منافع ملت سوریه و استقلال نظام آن منافات دارد و در این زمینه از گروه‌های تروریستی مسلح استفاده ابزاری می‌کنند».

«تجسید» به معنای «محقق ساختن» و «پیاپی کردن» است که با توجه به بافت جمله، معنای تأکید و تثبیت از آن فهمیده می‌شود. ترکیب «مصدر + لام جر + مای موصول + فعل ماضی»، یک اسلوب عربی است که معنای مستقیم آن می‌شود: «با تأکید بر آنچه گذشت». در ترجمه پیشنهادی ما، کلمه «مواضع» برای روان‌سازی متن ترجمه اضافه شده است. «در این زمینه» نیز به جمله اضافه شده است تا رابطه بین دو جمله محکم شود.

○ «لماذا بات الرئيس الأسد مُقلاً في اطلالاته الخطابية في الفترة الأخيرة؟».

□ «چرا رئیس‌جمهور بشار اسد وقتی در برابر دوربین ظاهر می‌شود، کم سخن می‌گوید؟».

کلمه «مُقِلٌّ» اسم فاعل در باب افعال از ماده «قَلَّ» می‌باشد، به معنای کسی است که کاری را کم و اندک انجام می‌دهد. پس در کلمه «مُقِلٌّ»، سخنی از «حرف» به میان نیامده است، ولی ما آن را کم حرف ترجمه کرده‌ایم. «اطلالة» به معنای «بیرون آمدن»، «ظاهر شدن غافلگیرانه»، و «خطابیه» به معنای «سخنرانی و مصاحبه» است. ترکیب این دو واژه، مفهوم سخنرانی و گفتگوی تلویزیونی یا مطبوعاتی را می‌رساند، ولی برای روان و مفهوم بودن متن از تعبیر «ظاهر شدن در برابر دوربین» استفاده شده است که مفهوم غافلگیری نیز در آن نهفته است و توضیح تفسیری است. کلمات «جمهور» و «بشار» نیز برای روان شدن نثر ترجمه افزوده شده است که توضیح ساختاری هستند و مفهومی را به جمله اضافه نمی‌کنند.

۶. به لفظ درآوردن برخی اشاره‌ها و تلمیح‌ها

در ترجمه ارتباطی، مترجم برای ابهام‌زدایی از متن مبدأ باید تلمیح یا اشاره را توضیح دهد تا خواننده در درک مفهوم با هیچ مشکلی مواجه نشود:

○ «ثُمَّ نَكْتَةُ رَائِجَةٌ فِي مِصْرَ تَقُولُ إِنَّ الرَّئِيسَ مَبَارَكَ التَّقِيَّ الرَّئِيسِينَ جَمَالَ عَبْدِ النَّاصِرِ وَالسَّادَاتِ فِي السَّمَاوَاتِ الْعُلَى، فَسَأَلَاهُ: سُمِّ أُمِّ مَنَصَّةٍ؟ فَرَدَّ عَلَيْهِمُ بَاقْتَضَابَ قَائِلًا: فَيْسُ بُوَكَّ».

□ «لطیفه‌ای در مصر بر سر زبان‌هاست که می‌گویند رئیس‌جمهور مبارک در جهان آخرت با رؤسای جمهور پیشین مصر، جمال عبدالناصر و انور سادات دیدار کرد. آن دو از او پرسیدند: زهر خوردی یا ترور شدی؟ وی به اختصار پاسخ داد: فیس بوک».

ترجمه تحت‌اللفظی جمله این است: «زهر یا تریبون؟!». انتظار اینکه خواننده از این جمله درکی داشته باشد، دشوار است. بنابراین، مترجم سعی کرده با افزودن چند کلمه، توضیح کوتاهی به خواننده بدهد. کسانی که با تاریخ معاصر مصر آشنایی دارند، می‌دانند جمال عبدالناصر که انقلاب افسران آزاد را رهبری کرد و به پادشاهی ملک فاروق پایان داد، سرانجام، به دست دشمنانش مسموم شد. انور سادات نیز در حال سخنرانی بود که هدف گلوله قرار گرفت و کشته شد، اما عامل سرنگونی حسنی مبارک، اتحاد مردم و تظاهرات مداوم آنان بود که فضای مجازی، به‌ویژه فیس بوک، این زمینه را فراهم کرد.

۷. ترجمه مفصل‌های متن

زبان عربی جدید که اغلب در مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی شکل می‌گیرد و در شبکه‌های اجتماعی گسترش می‌یابد و در رمان و گونه‌های دیگر ادبیات داستانی تثبیت می‌شود، ویژگی‌هایی دارد که این ویژگی‌ها در زبان عربی قدیم دیده نمی‌شود، یا کمتر به چشم می‌خورد. یکی از این ویژگی‌ها، استفاده زیاد و گسترده از حروف ربط و کلمه‌ها و تعبیرهای تأکیدی است که مفاصل جمله‌ها یا ادوات پیوندی محسوب می‌شوند و جمله‌های معترضه را به جمله اصلی پیوند می‌زنند؛ به عبارت دیگر، در بسیاری از مواقع، جمله عربی

به نقطه ختم نمی‌شود، بلکه با یک عبارت یا واژه به جمله بعد متصل می‌شود و این تسلسل آن قدر ادامه پیدا می‌کند که گاه طول جمله به یک بند می‌رسد. این ویژگی برای مترجمان نوآموزی که ممکن است با متون جدید عربی آشنایی نداشته باشند، مشکلاتی در معادل‌یابی این حروف و واژگان ایجاد می‌کند و نثر ترجمه آنان را دچار سگته می‌کند. این حروف و تعبیرها از نظر ظاهری کوچک هستند و معمولاً ناچیز انگاشته شوند، اما تأثیر شگرفی بر اتصال معنایی و روانی ساختاری متن ترجمه می‌گذارند. برخی از این حروف و تعبیرها و معادل آن‌ها را در اینجا ذکر می‌کنیم که مترجم باید این معادل‌ها را در بافت جمله قرار دهد و مناسب‌ترین آن‌ها را برگزیند:

- «فیما: در حالی که، این در حالی است که / فیما لو: در صورتی که، چنانچه / بما فیها: از جمله / بینما: در حالی که / ما إذا کان: اینکه آیا / إذا ما: در صورتی که / إلا أن، غیر آن، بید آن: اما در عین حال، البته / اللهم إلا: مگر اینکه / لا یتعدی کونه، لا تعدو کونها: از این فراتر نمی‌رود که، چیزی جز... نیست / من شأنه: می‌تواند، در نوع خود / هذا و أن: از سوی دیگر، همچنین / علی النحو: آن طور که، همان گونه که، همچون / کونها: زیرا، به دلیل اینکه / بما: به طوری که، از جمله / ذلک أن: زیرا / ممّا: از جمله، به طوری که، تا آنجا که، که / مثلما: همان طور که، همچنان که، همچون / إذ: زیرا، به طوری که، اینکه، زمانی که / إذا ما: اگر / و فی السیاق نفسه: در همین راستا / ما یعنی: این بدان معناست که».

○ «معادلة سْتَهْمِينِ عَلِيٍّ مَقَارِبَةَ اسْرَائِيلَ الْعَدَائِيَّةِ وَشُرَكَائِهَا تَجَاهَ حِزْبِ اللَّهِ فِي مُقْبَلِ الْأَيَّامِ، مَا يَعْنِي تَوَقُّعَ الْمَزِيدِ مِنَ الْفَبْرِكَاتِ وَرَفْعِ الصَّوْتِ بِالتَّحْذِيرَاتِ».

□ «معادله‌ای که بر همکاری خصمانه اسرائیل و شرکای آن در مواجهه با حزب‌الله در روزهای آینده سایه خواهد انداخت و این بدان معناست که باید سناریوهای بیشتر و فریادهای هشدارآمیز بلندتری را انتظار داشت».

۸. معادل‌یابی برای تعابیر

اصطلاحات و تعبیرها در همهٔ زبان‌ها از دو ویژگی برخوردارند: اول اینکه معمولاً بر پایهٔ مجاز و کنایه شکل گرفته‌اند و دوم اینکه با بار فرهنگی و دینی آن زبان عجین شده‌اند. از این رو، معادل‌یابی برای تعابیر از بزرگترین چالش‌های مترجم است؛ زیرا نخست باید معنای حقیقی تعابیر را تشخیص دهد و آنگاه باید معادلی پیدا کند که با بافت متن همخوانی داشته باشد و خواننده آن را بفهمد و بپذیرد. مثال‌های زیر تلاش مترجم برای روان‌سازی متن ترجمه از طریق معادل‌یابی برای تعابیر را نشان می‌دهد:

۱-۸. تعبیر مجازی

○ «قبل الدّخول فی دهالیز مؤتمر وارسو و ما نتج عنه، نستعرض بلمحة سريعة سبب هذه الإندفاع لهذا الحشد و تخصیصه لمواجهة ایران».

□ «پیش از آنکه به موضوع کنفرانس ورشو و نتایج آن پردازیم، نگاهی گذرا می‌اندازیم به اینکه چرا این مجموعه از کشورها چنین حرکتی انجام دادند و چرا به مبارزه با ایران تخصیص یافت؟» (چرا هدف اصلی آن‌ها از این کنفرانس، رویارویی با ایران بود؟).

«دهالیز» جمع «دهلیز»، به معنای «راهرو و سالن» است که در این جمله، ذکر محل (دهالیز) و ارادهٔ حال (موضوع مورد بحث) می‌باشد و کاربرد مجازی دارد. «اندفاع» نیز به معنای «روانه شدن و انگیزش» است که در اینجا معادل «حرکت» را برای آن قرار دادیم و سعی کردیم ترجمه‌ای روان و درخور فهم عموم خوانندگان ارائه دهیم.

۲-۸. تعبیر استعاری

○ «تشکیل الحكومة و لو بعد مخاض، یفقد اسرائیل تعقیدات و "لا یقین" کان یشهدا لبنان».

□ «تشکیل کابینه، هرچند با دشواری‌های زیادی همراه است، اما آن پیچیدگی‌ها و بلا تکلیفی حاکم بر لبنان را از اسرائیل می‌گیرد».

تشکیل دولت یا کابینه، استعاره‌ای از زایمان است؛ زیرا سختی‌ها و مشقت‌های زیادی دارد و سرانجام، وزرا معرفی می‌شوند. پایان سختی‌های زایمان نیز ولادت انسان است، اما کلمه زایمان با این متن تناسب ندارد و برای طبیعی شدن متن ترجمه و روان‌سازی آن از تعبیر «دشواری‌های زیاد» که وجه شبه یا علاقه استعاره است، استفاده کرده‌ایم.

۳-۸. تعبیر کنایی

○ «تداول بکین تدویر الزوایا فی مشکلاتها الناشئة مع الولايات المتحدة».

□ «پکن سعی می‌کند در مشکلاتی که با آمریکا دارد، جانب احتیاط را رعایت کند».

«تدویر الزوایا» به معنای «چرخاندن گوشه‌ها» است. این تعبیر به یک بازی روی صفحه اشاره دارد که گیر افتادن در گوشه صفحه و محاصره شدن به معنای باختن است. پس بازیکن سعی می‌کند دائماً گوشه‌ها را بچرخاند تا در گوشه قرار نگیرد. ما مفهوم «احتیاط» را معادل آن قرار داده‌ایم تا با بافت متن تناسب پیدا کند و خواننده به خوبی آن را درک کند.

۹. ذکر معنای ثانوی فعل

معنا و معادل مستقیم برخی از افعال نمی‌تواند جایگزین خوبی برای کلمه عربی در نشر ترجمه باشد. از این رو، مترجم به سراغ معنای ثانوی می‌رود تا تناسب متن ترجمه و روانی آن حفظ شود. معنای ثانوی، همان معادلی است که با تطبیق معنای اصلی کلمه در بافت جمله پیدا می‌شود؛ به عنوان مثال، کلمه «یُرْسَح» در جمله زیر به معنای «نامزد یا کاندید کردن» است، ولی این معنا هیچ تناسبی با سایر اجزای جمله ندارد و به همین دلیل، فعل «باعث می‌شود» را به کار برده‌ایم:

○ «وهكذا يعود بحر قزوين لدائرة الضوء مرة ثانية مرتبطاً بزيادة مخاوف واشنطن من التغلغل الروسى فى بعض جمهوريات الإتحاد السوفيتى السابق، الأمر الذى يشرح هذه المنطقة لتصبح مسرحاً لنزاعات تكون فيها روسياً والولايات المتحدة طرفاً مباشراً أو غير مباشر».

□ «بدین ترتیب، بار دیگر دریای خزر مورد توجه قرا می‌گیرد؛ زیرا آمریکا می‌ترسد روسیه در برخی از جمهوری‌های اتحاد جماهیر شوروی سابق نفوذ کند و همین امر باعث می‌شود این منطقه صحنه‌ی درگیری‌هایی باشد که آمریکا و روسیه به طور مستقیم یا غیرمستقیم در آن حضور خواهند داشت».

۱۰. تقدیم جمله پیرو

جمله‌های معترضه، اعم از جمله وصفی، حالیه، دعایی و... در زبان عربی کاربرد زیادی دارند و همین ویژگی باعث شده‌است که جمله‌های عربی، ساختاری طولانی داشته باشند. در متون مطبوعاتی عربی، این ویژگی نمود بیشتری دارد. برای روان ساختن نثر ترجمه، بهتر است ابتدا جمله پیرو را ترجمه کنیم و آنگاه جمله پایه را بیاوریم. در واقع، رعایت توالی و ترتیب جمله عربی باعث سنگینی نثر ترجمه و سخت‌خوانی آن می‌شود. در مثال زیر، دو ترجمه ارائه شده که در ترجمه دوم، تقدیم و تأخیر صورت گرفته‌است. میزان روانی و سلاست نثر ترجمه را در دو ترجمه مقایسه کنید:

○ «تحاول الجماعات التكفيرية الإحتفاظ بأجندتها الخاصة، رغم التأثير الكبير للولايات المتحدة وأدواتها، وذلك للحفاظ على موقعها فى بيئتها الإستقطابية وفعاليتها السياسية».

□ الف) «گروه‌های تکفیری سعی می‌کنند برنامه‌های ویژه خود را حفظ کنند، با وجود تأثیر زیادی که از آمریکا و ابزارهای آن می‌گیرند و آن برای حفظ موقعیت خود در محیط مرکزی و فعالیت‌های سیاسی خود است».

□ ب) «گروه‌های تکفیری با وجود حمایت‌های مادی و معنوی که از سوی آمریکا می‌شوند، سعی دارند استقلال خود را در برنامه‌ریزی حفظ کنند، تا مبادا جایگاه خود را در محیط مرکزی و فعالیت‌های سیاسی از دست بدهند».

○ «وقد تكثفت محاولات الطعن بإيران وتشويه صورتها، بعد سلسلة الإنتصارات ألتی حقتها المقاومة علی الكيان الصهيونی».

□ «پس از سلسله پیروزی‌هایی که مقاومت در رویارویی با رژیم صهیونیستی به دست آورد، تلاش برای ضربه زدن به ایران و زشت جلوه دادن تصویر آن دوچندان شد».

۱۱. تقدیم ظرف زمان

برای روان تر شدن متن ترجمه، بهتر است در فارسی، قید زمان و مکان را در ابتدای جمله قرار دهیم. به ترجمه‌های پیشنهادی این جمله توجه کنید که جای قید «ماه مارس گذشته» و شهر «رفح» تغییر یافته‌است و جمله وصفی «ألتی سحقتها...» به صورت جمله‌ای مستقل آمده‌است. به ترجمه جمله حالیه «و هی تتصدی...» دقت کنید:

○ «هذه العبارة وردت فی رسالة الناشطة الأمريكية "راشیل کوری" ألتی سحقتها جرافة اسرائیلیة فی رفح فی شهر آذار الماضي و هی تتصدی لقوات الاحتلال فی محاولة لِمَنعها مِن هدم البيوت الفلسطینیة».

□ «این عبارت در نامه خانم "راشل کوری"، فعال آمریکایی آمده‌است. وی در ماه مارس گذشته، در حالی که سعی داشت در شهر رفح مانع از تخریب خانه‌های فلسطینیان به دست نیروهای اشغالگر شود، (زیر چرخ‌های) یک بولدوزر اسرائیلی کشته شد».

۱۲. اظهار مرجع ضمائر

یکی از شیوه‌های ایجاز در زبان عربی آن است که از تکرار اسم خودداری شده‌است و به جای آن از ضمائر استفاده شود که این ویژگی در متون کهن نمود بیشتری دارد. البته این امر به نوبه خود باعث ایجاد ابهام می‌شود و به معماگونه‌گی متن کمک می‌کند. علاوه بر معلوم نبودن مرجع ضمائر، گاهی جابه‌جایی اجزای جمله و نشان دادن آن‌ها در جای نامناسب، اضافه کردن پی‌درپی کلمات به یکدیگر، آوردن افعالی که معانی دوپهلو دارند و عواملی از این دست نیز باعث مبهم‌نویسی شده‌است و مخاطب را در دریافت معنا و مفهوم جمله با مشکل روبه‌رو می‌کند. البته علاوه بر دلایل زیبایی‌شناسی چنین کاربردی، مبهم‌نویسی، شاید نوعی شوگرد بوده تا کسانی که اهل فن نبوده‌اند، به ساحت معنای این متون دست نیابند (گفتنی است که در عربی جدید، این ویژگی جای خود را به تکرار اسم، صراحت بیان و مفهوم، و پرهیز از ضمائر متعدد داده‌است).

○ «و ركزت انتباهها على معامل توليد الطاقة و معامل تكرير النفط و هما وراء زهاء أربعين في المئة من الإنبعاثات في الولايات المتحدة».

□ «این دولت همه توجه خود را به کارخانه‌های تولید انرژی و پالایشگاه‌های نفت معطوف کرده‌است که عامل انتشار چهل درصد از گازهای گلخانه‌ای در آمریکا هستند».

○ «فبعد أن كانت في الموندiales السابقة صيدا سهلا للمنتخبات الأخرى لا تتعدى مشاركتها الشرفية الدور الأول و الخروج منه و شباؤها متخمة بالأهداف أثبتت في جنوب إفريقيا أنها لم تعد ذلك الحمل الوديع».

□ «زیرا همین تیم‌های آسیایی که در دوره‌های گذشته جام جهانی فوتبال، طعمه‌ای آسان برای سایر تیم‌ها به شمار می‌آمدند و شرکت افتخاری آن‌ها در جام، از دور مقدماتی تجاوز نمی‌کرد و با دروازه‌ای پُرگل، جام را ترک می‌کردند، در جنوب آفریقا ثابت کردند که دیگر آن بره مطیع و رام نیستند!».

۱۳. تبدیل مثبت به منفی

به کارگیری تعبیرها یا عبارات‌های مثبت و منفی در زبان‌های مختلف و یا حتی در شیوه نویسندگان مختلف با یکدیگر تفاوت دارد؛ به عنوان مثال در زبان عربی از عبارت «باید تأثیر نداشته باشند» و در فارسی از عبارت «نباید تأثیر داشته باشند» استفاده می‌شود:

○ «فقد ذكرت مصادر إعلامية أن موسكو استطاعت إقناع شركائها في المنطقة بأن أية دولة من خارج حوض بحر قزوين يجب ألا تؤثر على القرارات المتعلقة بهذا البحر».

□ «منابع تبلیغاتی اعلام کردند مسکو موفق شده است شرکای خود را در منطقه قانع کند که هیچ کشوری خارج از حوزه دریای خزر.

- قبل از تبدیل: باید بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به این دریا تأثیر نگذارد.

- بعد از تبدیل: نباید بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به این دریا تأثیر بگذارد».

○ «لماذا لانستفيد من النموذج المجرب و نلهث وراء نظريات لاتقبل التطبيق؟».

□ «قبل از تبدیل: چرا از الگوی آزموده استفاده نکنیم و به دنبال نظریه‌هایی له‌له بزیم که قابل اجرا نیستند؟»

بعد از تبدیل: چرا الگوی آزموده شده را رها کنیم و بر نظریه‌هایی اصرار کنیم که قابل اجرا نیستند؟».

۱۴. تقطیع جمله

برای تقطیع جمله، یعنی شکست جمله‌های طولانی و تبدیل آن‌ها به جمله‌های کوتاه‌تر باید ابتدا جمله اصلی را تشخیص داد و آن را ترجمه کرد و آنگاه به سراغ ترجمه جمله‌های معترضه و پیرو رفت:

○ «إِنَّ قَمَّةَ أُوْبِكَ الَّتِي تَنْعَقِدُ فِي الذِّكْرَى الْخَمْسِينَ لِتَشْكَيلِ الْمُنْظَمَةِ وَ وَسَطِ إِعْلَامِ غَرْبِي مُكْتَفٍ يُلْقَى اللُّؤْمَ عَلَى الْمُنْظَمَةِ فِي إِرْتِفَاعِ الْأَسْعَارِ، تَتَحَمَّلُ مَسْؤُولِيَةَ كَبِيرَةَ فِي صَيَانَةِ ثَرْوَةِ شَعُوبِهَا».

□ «کنفرانس آپک که در پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان آپک برگزار می‌شود، مسئولیت بزرگی را در حفظ ثروت مردم کشورهای نفت خیز بر عهده دارد. برگزاری این کنفرانس با تبلیغات گسترده غربی‌ها همزمان است که تقصیر بالا رفتن بهای نفت را بر گردن این سازمان می‌اندازند».

در این جمله، «إِنَّ» و اسم و خبر آن، جمله اصلی را تشکیل می‌دهند که در متن ترجمه مقدم شده است. جمله «وسط اعلام غربی..» جمله پیرو است که ترجمه آن در جمله‌ای جداگانه آمده است. معمولاً وقتی یک جمله را به دو جمله یا بیشتر تقطیع می‌کنیم، برای جمله دوم باید یک توضیح اضافی بیاوریم که اغلب نهاد یا فعل جمله محسوب می‌شود. در واقع، باید از دل جمله پیرو، یک توضیح بیرون بکشیم که بتواند جمله دوم را به جمله اول پیوند بزند. در مثال بالا، «برگزاری این کنفرانس» همین وظیفه را انجام می‌دهد. از برخی تعبیرهای کلیشه‌ای مانند: در این راستا، گفتنی است که، شایان ذکر است که، این در حالی است که، در چنین شرایطی و... نیز می‌توان برای این پیوند استفاده کرد.

۱۵. ویرایش زمان

تفاوت ساخت زمان جمله یا یکسان نبودن قالب بیانی، یکی از تفاوت‌هایی است که بین زبان مبدأ و مقصد وجود دارد؛ به دیگر سخن، زبان‌ها برای ارائه مفاهیم، از قالب‌های بیانی متفاوتی بهره می‌برند و مترجم باید ویژگی‌های بیانی زبان مقصد را به خوبی بشناسد، تا بتواند برای زمان‌های ارائه شده در متن مبدأ و اسلوب‌های بیانی و تعبیری جمله، معادل مناسبی را در زبان مقصد پیدا کند؛ به عنوان مثال، به جمله زیر و ترجمه آن دقت کنید:

○ «ففي أثناء القرن المنصرم حلت حوالي ۲۰۰ دولة و وحدة سياسية محل الامبراطورية المُرْكَبَة والشاسعة التي كان عددها القليل يملأ الأرض و يتقاسمها».

□ «در طول قرن گذشته، حدود دویست کشور و کیان سیاسی، جایگزین امپراتوری‌های به هم پیوسته و پهنآوری شده‌اند...

قبل از ویرایش: که اگرچه تعداد آن‌ها اندک بود، اما سراسر جهان را فرامی گرفت و آن را بین خود تقسیم می کردند.

بعد از ویرایش: که اگرچه تعداد آن‌ها اندک بود، اما سراسر جهان را فرامی گرفت و آن را بین خود تقسیم کرده بودند».

نکته این جمله، معادل‌یابی زمانی است. ماضی استمراری در این جمله فارسی چندان مأنوس و شیوا به نظر نمی آید. از این رو و از آنجا که نویسنده از گذشته دور (قرن گذشته: قرینه لفظی) سخن می گوید، ماضی بعید را جایگزین ماضی استمراری کرده‌ایم؛ چراکه تغییری در مفهوم ایجاد نمی کند و به پیام جمله خللی وارد نمی سازد.

نکته درخور توجه اینکه در این صورت، اگر خبر مربوط به گذشته باشد، آن را ماضی مطلق و اگر مربوط به آینده باشد، آن را مضارع اخباری ترجمه می کنیم؛ مانند:

○ «وَصَلَ رَئِيسُ الوِزراءِ السُّودانِي إلى طَهْرانِ اليَوْمِ: نخست وزیر سودان امروز وارد تهران شد».

○ «سَيُسَافِرُ الرَّئِيسُ غَدًا إلى سوريَا: رئیس جمهور فردا به سوریه می رود».

۱۶. ترجمه کامل «إِذَا»ی فجائیه

برای ترجمه «إِذَا»ی فجائیه باید فعل «دیدن» یا «متوجه شدن» را در متن ترجمه به کار ببریم، تا نثری روان داشته باشیم:

○ «دخلت النيابة العامة فإذا بالشباب يتنافسون على المشول امام المحكمة و الإدلاء بالشهادة».

□ «وارد دادستانی گُل شدم. ناگهان دیدم جوانان برای حضور در دادگاه و ادای شهادت با یکدیگر رقابت می‌کردند».

۱۷. قرار دادن نام کشور به جای پایتخت

در این تکنیک، به جای نام پایتخت که در متن عربی آمده‌است، نام کشور را ذکر می‌کنیم تا میزان شفافیت موضوع و برجستگی متن افزایش یابد:

○ «ليس سرّاً القول بأنّ واشنطن اعتادت التدخل في شؤون جيرانها في الجنوب».

□ «پنهانی نیست اگر بگوییم آمریکا عادت کرده‌است در امور داخلی همسایگانش در کشورهای آمریکای جنوبی دخالت کند».

واضح است که در این جمله، به جای «واشنگتن» که پایتخت آمریکاست، «آمریکا» را در متن ذکر کرده‌ایم. به علاوه از تکنیک تبدیل ساختار فعلی به اسمی («بگوییم» به جای «گفتن») و افزودن توضیحی (کشورهای آمریکای جنوبی) و نیز افزودن توضیحی کلمه داخلی به امور و تکنیک ویرایش زمان (فعل ماضی ساده «اعتادت» به ماضی نقلی ترجمه شده‌است)، استفاده کرده‌ایم.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین داده‌های این پژوهش عبارتند از:

۱- نثر ترجمه حاصل بازتولید پیام و اندیشه یا محتوای احساسی است که در دل متن اصلی نهفته است؛ یعنی مترجم در یک فرایند ذهنی که قوه تحلیل و منطق مترجم در آن

دخیل است، پیام یا محتوای احساسی را از متن مبدأ می‌گیرد و آن را در یک ساختار دستوری زبان مقصد می‌ریزد که خود مناسب می‌داند. این فرایند، «ترجمه» نام دارد.

۲- مترجم در ترجمه ساخت دستوری نباید یک نقش را در جمله فارسی نشانه برود و به دنبال همان نقش در زبان عربی بگردد. ممکن است روابط معنایی او را به نقشی مشابه در زبان مقصد برساند که نقش‌های مشابه در دو زبان فارسی و عربی فراوانند و یا آنکه رابطه معنایی، مثلاً به جای نقش متمم، نقش مفعول را در عربی تولید کند. مترجم باید در جمله فارسی، رابطه معنایی بین دو یا چند واژه را تشخیص دهد، سپس به دنبال همان رابطه معنایی میان واژه‌ها در زبان عربی بگردد که این موضوع، تبدیل ساختار اسمی به فعلی یا برعکس را تفسیر می‌کند.

۳- ترجمه، درک معنا و پیام از ساختارهای بیانی متن مبدأ و ارائه آن معنا و پیام در زبان مقصد به بهترین و مناسب‌ترین شکل ممکن است، به طوری که خواننده یا شنونده ترجمه با میل و رغبت، متن ترجمه را دنبال کرده، آن را به پایان برساند. مترجم برای انتقال دقیق معنا یا پیام و یا ایجاد صراحت و وضوح بیشتر باید از شیوه‌ها و تکنیک‌هایی استفاده کند که کشش لازم برای ادامه متن را در خواننده به وجود آورد.

۴- گاه مترجم برای انتقال صحیح معنا و ادوار به افزایش یا کاهش حجم می‌شود. تجربه نشان داده‌است که کوتاه‌تر شدن ترجمه یک عبارت معمولاً به تفاوت قالب بیانی عربی با فارسی بازمی‌گردد، اما طولانی‌تر شدن آن که برای توضیح بیشتر متن مبدأ است، اغلب به دلیل رعایت حال خواننده و ایجاد شرایط مناسب برای درک بهتر وی از متن صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر، گاهی مترجم عبارتی را به منظور توضیح سخن نویسنده به متن می‌افزاید و یا مقصود وی را که به صورت خلاصه و مبهم بیان شده‌است، به روشنی می‌رساند و یا از ابزارهای ارتباط بین جمله‌ها استفاده می‌کند تا ارتباط منطقی گویاتری بین اجزای یک جمله یا چند جمله برقرار کند.

۵- ایجاد متن تأثیر زیادی در روان‌سازی متن دارد. طبیعی است که هرچه واژه‌های یک جمله کمتر باشد، مخاطب آن را بهتر و سریع‌تر درک می‌کند و زمان کمتری را برای فهم

آن جمله می‌گذارد، در حالی که جمله‌های طولانی، علاوه بر اینکه ابهام و نارسایی ایجاد می‌کنند، زمان بیشتری از مخاطب می‌گیرند و سرانجام، باعث خستگی او می‌شود. فرایند توضیح و ابهام‌زدایی از متن ترجمه را در قالب «تکنیک‌های روان‌سازی متن ترجمه» بیان می‌کنیم، به طوری که نثر ترجمه خوشخوان شود و خواننده به راحتی آن را بخواند و به پیش برود. متن ترجمه مانند جاده است و خواننده همچون راننده‌ای است که روی این جاده می‌راند. اگر این جاده آسفالت و صاف باشد، راننده آن را بدون هیچ دشواری طی می‌کند و به مقصد می‌رسد، اما اگر این جاده قدم‌به‌قدم دست‌انداز و گودال‌های کوچک و بزرگ داشته باشد، راننده به زودی از آن خسته شده، عطایش را به لقایش می‌بخشد.

۶- بهترین ترجمه آن است که خواننده بوی ترجمه را از متن احساس نکند و فرایند ترجمه را از یاد ببرد و گمان کند متنی که می‌خواند به دست یک نویسنده به رشته تحریر درآمده است. برای رسیدن به این هدف، باید از تکنیک‌های مختلفی استفاده کرد که این مقاله به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته است.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- لازم به توضیح است که این ویژگی‌ها به ترجمه ارتباطی یا پیامی اختصاص دارد و عموماً در ترجمه معنایی مجاز نیست.
- ۲- این جمله و سایر مثال‌های این مقاله از صفحات مختلف روزنامه *الوفاق* شماره‌های ۳۸۴۰ و ۹۲۷۱ انتخاب شده‌اند.

منابع و مأخذ

- بدیعی، نعیم و حسن قندی. (۱۳۸۱). *روزنامه‌نگاری نوین*. چ ۳. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- پازارگادی، علاءالدین. (۱۳۶۲). *اصول و روش ترجمه*. تهران: امیرکبیر.

- خزایی فر، علی. (۱۳۸۹). *ترجمه متون ادبی*. ج ۸. تهران: سمت.
- ذلیل، ژان. (۱۳۸۱). *تحلیل کلام روشی برای ترجمه*. ترجمه اسماعیل فقیه. ج ۲. تهران: انتشارات رهنما.
- زرکوب، منصوره و عاطفه صدیقی. (۱۳۹۲). «تعدیل و تغییر در ترجمه، چالش‌ها و راهکارها با تکیه بر ترجمه کتاب *الترجمة وأدواتها*». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. د ۳. ش ۸. صص ۳۵-۴۳.
- صفوی، کورش. (۱۳۹۴). *از زبان‌شناسی به ادبیات*. تهران: سوره مهر.
- صلح‌جو، علی. (۱۳۷۷). *گفت‌مان و ترجمه*. تهران: نشر مرکز.
- طهماسبی، عدنان و صدیقه جعفری. (۱۳۹۳). «جستاری در ترجمه از عربی به فارسی با تکیه بر فرایند معادل‌یابی معنوی». *پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*. د ۴. ش ۱۰. صص ۹۸-۱۱۸.
- طهماسبی، عدنان و علاء نقی‌زاده. (۱۳۹۰). *ورشته‌التعریب*. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- ناظمیان، رضا. (۱۳۹۰). *ترجمه متون مطبوعاتی*. تهران: انتشارات سخن.
- نعمتی، مجید. (۱۳۸۴). «تأثیر منفی زبان انگلیسی بر زبان فارسی از طریق ترجمه‌های غلط و متون مطبوعاتی». *پژوهش زبان‌های خارجی*. د ۱۰. ش ۲۳. صص ۱۰۷-۱۱۸.
- نیومارک، پیترو. (۱۳۸۶). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. ج ۲. تهران: انتشارات رهنما.